

## افق‌ها و چشم‌اندازهای رابطه ایران و آمریکا

گفت و گو از علیرضا حقیقی

سومین بخش مصاحبه با دکتر هوشنگ امیر احمدی استاد دانشگاه را تکرز آمریکا در پی از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد.

س: اگر دولت مردان ایرانی در ارزیابی و سنجش رابطه با آمریکا بخواهند در چهار چوب اصول و آرمانهای انقلاب و منافع ملی ایران بیاندیشند، به نظر شما چه اولویتهایی را بایستی مدنظر قرار دهند.

ج: برای تعیین سلسله مراتب اولویتهای آنها، نخست باید دید که منافع ملی و آرمانهای انقلاب کدامند و چگونه تأمین می‌شوند. در واقع باید بفهمیم منافع ملی یعنی چه و رابطه‌اش با آرمانهای انقلاب باید چگونه باشد. منافع ملی ایران دارای چندین جنبه است. یکی از این جنبه‌ها جایگاه مناسب ایران در میان کشورهای جهان مخصوصاً در منطقه است.

در این باب باید دید که آیا ایجاد رابطه با آمریکا به یافتن آن جایگاه مناسب کمک می‌کند یا صدمه می‌زند. من بر این باورم که رابطه ایران با آمریکا، در جهت تقویت موقعیت دیپلماتیک -- استراتژیک ایران، هم در منطقه و هم در کل دنیا، عمل خواهد کرد. از نظر اقتصادی هم پتانسیل کمک به ایران است ولی استفاده از آن بستگی به عملکرد دولت دارد.

البته عده‌ای اعتقاد دارند که بهبود رابطه ایران و آمریکا، موقعیت ایران را در میان نیروهای اسلامگرا، و بویژه نیروهای انقلاب، تضعیف خواهد کرد. این امر در صورتی اتفاق خواهد افتاد که رابطه با آمریکا، ایران را مجبور به عقب‌نشینی اساسی در رابطه با پشتیبانی سیاسی از حرکتهای مردمی و آزادی بخش بکند. اما به عقیده من ایران قادر خواهد بود که هم با آمریکا رابطه منطقی برقرار سازد و هم به حمایت سیاسی خود از این نیروها ادامه دهد.

جنبه دوم منافع ملی، به وجه توسعه سیاسی باز می‌گردد. در این وجه، منافع ملی ایران با روند گسترش مردم‌سالاری، توسعه جامعه مدنی و استقرار حکومت قانون، گره خورده است.

تجربه نشان داده است که فقدان مردم‌سالاری موجب می‌شود که کشور نتواند از منافع ملی خود، بویژه در خارج از مرزها دفاع کند؛ زیرا از مشروعیت کافی جهت اعمال دیدگاههای ملی خود برخوردار نیست، بهمین دلیل هم کشورهای استعماری، دنبال حکومتهای دیکتاتوری و با مشروعیت پایین هستند. بنابراین اگر قرار است رابطه با آمریکا برقرار شود، باید همزمان -- اگر نه قبلاً -- روند توسعه سیاسی کشور تقویت شود.

جنبه دیگر، به نحوه رابطه کشور با جهان خلاصه می‌شود. ایران باید در چهار چوب سیاست برقراری دوستی با همه کشورهای که در چهار چوب حسن همجواری، منافع مشترک و با احترام متقابل حاضر به مرادده با آن هستند، طی طریق کند. سیاست دوستی با برخی کشورهای دشمنی با دیگران و تردید داشتن در مورد گروه سوم، سیاست خوبی نیست. بدیهی است که این سیاست باید مستقل از رابطه با آمریکا ولی مرتبط با آن باشد.

حوزه فرهنگی -- مرامی، جنبه دیگر منافع ملی را در بر می‌گیرد. ایران، به عنوان یک کشور اسلامی و دارای فرهنگ کهن، باید جایگاه مناسب خود را در میان تمدن‌ها تثبیت کند. بدیهی است که تمدن ایرانی -- اسلامی نمی‌تواند خارج از چهار چوب تمدنهای دیگر به حیات خود ادامه دهد. در نتیجه ایران باید آمیزش تمدن‌ها را به شکلی در نظر بگیرد که نقش تاریخی تمدن ایران بار دیگر واقعیت ملموس بیابد.

آخرین جنبه منافع ملی ایران، اقتصادی است. در مقطع حاضر، ایران دچار مشکلات عدیده اقتصادی است که مداوم و گسترش آنها برای کشور خطرناک است. برای کاهش این مشکلات، ایران نیازمند است منافع اقتصادی خود را از سه دیدگاه زیر مورد توجه قرار دهد.

دیدگاه اول، موقعیت جغرافیایی ایران است. ایران در وسط منطقه‌ای قرار دارد که به لحاظ اقتصادی بسیار استراتژیک است. دوسوم نفت و گاز جهان در این منطقه قرار دارد. ایران می‌تواند شاهراه تجارت و حمل و نقل این منطقه بسیار مهم بشود. ایران باید در فکر استفاده بهینه از این مزیت نسبی خود باشد. در حال حاضر متأسفانه امریکاییها مانع این امر هستند. مثلاً نمی‌گذارند لوله‌های نفتی از طریق ایران به بازارهای جهانی متصل شوند و یا ایران تبدیل به مسیر حمل و نقل کالا شود. بدیهی است که صدمه‌ای که از این طریق به ایران وارد می‌شود، استراتژیک است و نه فقط اقتصادی. دیدگاه دوم، منابع طبیعی کشور است. بدیهی است که ایران باید در استفاده بهینه از این مزیت نسبی خود بکوشد. لیکن در اینجا نیز فشارهای امریکایی مانع فعالیت‌های ایران است. توسعه سریع منابع نفت و گاز ایران یک ضرورت است. اگر شتاب رشد تولید و مصرف انرژی با روند کنونی ادامه پیدا کند، در آینده‌ای نه چندان دور، ایران به یک کشور وارد کننده فرآورده‌های نفت و گاز تبدیل خواهد شد.

دیدگاه سوم، نیروی انسانی و جوانان ایران را مدنظر خواهد داشت. در اینجا نیز مزیت رقابتی ایران باید مورد بهره‌برداری قرار گیرد. ایرانیان دارای استعداد هستند و دنیای امروز دنیای دانش و اندیشه است. صنایع مهم جدید هم صنایع دانش و اندیشه و استعداد است؛ مثل الکترونیک، سخت‌افزار و نرم‌افزار رایانه، بیوتکنولوژی و غیره. در نتیجه، ایران باید دنبال صنایعی برود که دانش بر و استعداد بر باشند و جوانان را به این سو سوق دهد. منافع ملی ایران اقتضا دارد که کشور ما برای خودش یک هویت اقتصادی جدید (به غیر از نفت و فرش و پسته) درست کند. فرش و نفت به عنوان هویت کنونی اقتصادی ایران از دور خارج خواهند شد، زیرا فرش و پسته با رقابت سختی روبرو هستند و بهره‌برداری اقتصادی از آنها نیز محدود است. اهمیت اقتصادی نفت نیز هر روز کاهش می‌یابد. هویت اقتصادی جدید باید از طریق شرکت نیروی کار جوان در صنایعی که استعداد بر و دانش بر هستند، مانند الکترونیک و رایانه و غیره شکل بگیرد. اگر چه به نظر می‌رسد این صنایع جدید در کشورهای دیگری غیر از آمریکا در دسترس هستند، ولی نباید فراموش کرد که تقریباً در همه زمینه‌های صنایع جدید، امریکا حرف اول را می‌زند؛ مثلاً صنعت رایانه دنیا بدون نرم‌افزارهای امریکایی تقریباً به طور کامل متوقف می‌شود. این است که ارتباط منطقی با امریکا -- اگر بابرنامه‌ریزی اقتصادی مناسب هم همراه باشد، پتانسیل کمک به ایران را دارد.

س: برخی از تحلیلگران مخالف رابطه با آمریکا معتقدند علیرغم مخالفت اصول انقلاب با ایجاد رابطه با آمریکا از جنبه عملی و منافع سیاسی، از نظر اقتصادی نیز این رابطه هیچ کمکی به ایران نکرده و مشکلی از ایران حل نمی‌کند. اکنون پس از گذشت ۱۸ سال، ایران توانسته است با توجه به فقدان رابطه با آمریکا، مناسبات اقتصادی و سیاسی خویش را با جهان بدون امریکا به سامان برساند و آنرا تنظیم کند و ایجاد چنین رابطه‌ای بیشتر چهار اصولی ایران را خدشه دار می‌سازد. در عین حال حتی به فرض برقراری رابطه، معلوم نیست از خصومت امریکا با ما کاسته شود. کشورهای بسیاری امروزه دارای رابطه سیاسی با امریکا هستند، ولی امریکا سیاستهای خصمانه‌ای را نسبت به آنها تعقیب می‌کند و حتی آنها را در فهرست کشورهای حامی تروریسم قرار داده است. نظر شما در این باره چیست؟

ج: جواب به این سؤال، که آیا منافع سیاسی و اقتصادی ایران تأمین می‌شود یا نه، بستگی به تعریف این منافع سیاسی دارد. مثلاً اگر منافع سیاسی ایران در پشتیبانی نظامی از حرکتهای تندرو اسلامگرا و یا دولتهای به اصطلاح انقلابی تعریف گردد، آن وقت طبیعی است که رابطه با آمریکا کمکی به منافع ایران نمی‌کند. اما اگر منافع سیاسی ایران را از دیدگاه یافتن جایگاه منطقی کشور در میان ملل متمدن، چه مسلمان و چه غیر مسلمان، تعریف کنیم، آن وقت رابطه با آمریکا می‌تواند به سود ایران تمام بشود. نیز اگر منافع سیاسی ایران را در ارتباط با عضویت مؤثر کشور در سازمانهای بین‌المللی و جوامع مدنی جهانی ارزیابی کنیم، آنگاه بدیهی است که نزدیکی ایران و امریکا به شرط این که در چهار چوب احترام متقابل و حفظ استقلال کامل و تضمین منافع کشور باشد، کمک کننده خواهد بود.

در مورد جنبه اقتصادی قضیه، همانطور که پیش از این گفتم، رابطه با آمریکا می‌تواند ایران را در موقعیتی قرار دهد (نه این که قرار خواهد داد) که بتواند از مزایای نسبی و رقابتی خود در مکان -- جغرافیایی، منابع طبیعی و نیروی انسانی، بهره‌برداری بهتری کند و امکان ایجاد هویت اقتصادی جدیدی را برای ایران به وجود آورد.

امروزه، دنیا به یک دهکده جهانی تبدیل شده است. در این دهکده همه به هم نیاز مندند. نه تنها ایران به امریکا نیاز دارد بلکه امریکا نیز به ایران نیازمند است؛ زیرا جهان امروز دنیای وابستگی متقابل است. بنابراین بحث بر سر این که امریکا به ایران نیاز دارد یا برعکس بی‌مورد است، چرا که این نوع برخورد، جوهر دنیای امروز را نادیده می‌گیرد.

در مورد بخش آخر سؤالتان باید بگویم که امریکا یک کشور امپریالیستی است که منافع مشخص اقتصادی -- سیاسی‌اش را در ایران دنبال خواهد کرد. ما باید از هم اکنون آماده دست و پنجه نرم کردن با این تمایلات باشیم. کشوری مثل امریکا دارای «دوست» نیست، بلکه دارای «منافع» است و هر گاه این منافع تأمین نگردد، دوستی به رفتار خصومت آمیز تبدیل خواهد شد. اینجاست که یک سیاست خارجی فرهیخته می‌تواند به ایران جهت مقابله اصولی با تمایلات امپریالیستی امریکا یاری دهد و هر گونه خصومت را تخفیف دهد و استفاده متقابل ببرد.

دو نمونه مصر و کره جنوبی مهم‌اند. در حالیکه مصریها چیز مهمی از رابطه با آمریکا برای کشورشان به دست نیاموردند، کره‌ای‌ها با کمک امریکا یک کشور توسعه یافته ساخته‌اند. بعضی‌ها می‌گویند اگر این خطر وجود دارد، پس چه لزومی دارد که ایران با آمریکا رابطه برقرار بکند. جواب من این است که این جبرزمانه است که ایران با قدرتمندترین کشور دنیا ارتباط داشته باشد. نمی‌شود دو ملت ۲۷۰ میلیونی و ۶۵ میلیونی را از رابطه با یکدیگر محروم کرد.

(ادامه دارد)